



مروری بر مقالات

نیازسنجی برای تدوین برنامه درس مهارت‌های زندگی در دوره متوسطه نظری

نویسندگان: رحمت‌اله خسروی

کوروش فتحی و اجارگاه

محبوبه عارفی

تهیه و تنظیم: فرزانه اسلامی - کارشناس ارشد روان‌شناسی

■ مقدمه

شرکت کنندگان در نیازسنجی برای تدوین برنامه درسی مهارت‌های زندگی متشکل از دانش‌آموزان، معلمان و متخصصان تعلیم و تربیت است (فتحی و اجارگاه، ۱۹۹۹).

■ عناصر برنامه درسی

درباره این که عناصر برنامه درسی کدام‌اند، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد و شاید بتوان گفت، مهم‌ترین برداشت و تعریف از عناصر برنامه درسی، تعریف و طبقه‌بندی «فرانسیس کلاین» در الگوی «مطالعه نظام آموزشی مدرسه‌ای» و نیز «اکر»، در الگوی «تار عنکبوت برنامه‌های درسی» است. عناصر برنامه درسی از نظر «اکر» بدین شرح است:

منطق (چرا فراگیرندگان باید یاد بگیرند؟)، مقاصد و اهداف، محتوای فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، مواد و منابع، گروه‌بندی، مکان، زمان، سنجش و ارزشیابی (اکر، ۲۰۰۳).

■ مهارت‌های زندگی

به‌طور کلی مهارت‌های زندگی مهارت‌هایی هستند که برای افزایش توانایی‌های روانی-اجتماعی افراد آموزش داده می‌شوند و فرد را قادر می‌سازند که به‌طور مؤثر با مقتضیات زندگی روبه‌رو شود (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۷۹).

■ اهداف و پرسش‌های پژوهش

این پژوهش با هدف نیازسنجی برای تدوین برنامه درسی مهارت‌های زندگی دوره متوسطه نظری و با تکیه بر مدل تحقیقاتی کلاین انجام گرفته

یکی از دوره‌های تحصیلی که آموزش مهارت‌های زندگی در آن به‌شدت ضروری احساس می‌شود، دوره متوسطه است. در این دوره انتظار جامعه از مدرسه آن است که فرزندان یا همان نسل فردای جامعه را آماده زندگی در اجتماع و ایفای نقش شهروندی کند. با این توصیف دانش‌آموزان دوره متوسطه، زمانی می‌توانند شرایط خود و جامعه را بهبود بخشند و با موقعیت‌های دشوار زندگی و تغییرات و پیچیدگی‌های جامعه روبه‌رو شده و آن را اداره کنند که از یک برنامه جامع درسی برای آموختن مهارت‌های زندگی بهره‌مند باشند. این مهم وقتی تحقق می‌یابد که کلیه عوامل اثرگذار روی برنامه درسی مهارت‌های زندگی، با فعالیت و شراکت همه عوامل برنامه درسی، از طریق نیازسنجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

از این‌رو مسئله اصلی پژوهش حاضر، نیازسنجی برای تدوین برنامه درسی مهارت‌های زندگی در دوره متوسطه نظری، براساس مدل تحقیقاتی فرانسیس کلاین است که ویژگی‌ها و ابعاد نیازسنجی این برنامه درسی را از منظر متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و دانش‌آموزان به‌طور جامع مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: نیازسنجی، عناصر برنامه درسی، مهارت‌های زندگی، دوره متوسطه نظری.

■ مفهوم و عوامل نیازسنجی

نیازسنجی برنامه درسی در یک برداشت نهایی عبارت است از تدارک مجموعه‌ای از تدابیر و تصمیمات ضروری برای انطباق و سازگاری برنامه درسی با نیازهای مهم و دارای اولویت. در پژوهش حاضر مهم‌ترین

نیازسنجی برنامه درسی در یک برداشت نهایی عبارت است از تدارک مجموعه‌ای از تدابیر و تصمیمات ضروری برای انطباق و سازگاری برنامه درسی با نیازهای مهم و دارای اولویت

الیس و لامان-وتینی) با رعایت پیش فرض‌های آن استفاده شده است.

■ بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و دانش‌آموزان در زمینه اولویت‌بندی معیارها تدوین برنامه درسی مهارت‌های زندگی، به استثنای مؤلفه‌های اهداف و محتوا تفاوت معناداری وجود دارد. در این راستا براساس رویکرد مورد استفاده در برنامه درسی، می‌توان از یکی از دیدگاه‌ها یا تلفیقی از آنها برای تصمیمات آموزشی استفاده کرد. با توجه به این که جامعه در حال تغییر دائمی است، برنامه‌ریزان درسی می‌باید پیوسته این آمادگی را داشته باشند که براساس تغییرات جامعه هدف‌های آموزشی را تعیین و انتخاب نمایند، از این‌رو، گروه‌های مورد مطالعه، تناسب اهداف برنامه درسی مهارت‌های زندگی را با نیازهای جامعه کنونی و آینده دانش‌آموزان مورد تأکید قرار داده‌اند. در مؤلفه محتوای برنامه درسی مهارت‌های زندگی، گروه‌های مورد مطالعه تناسب محتوا با توانایی‌های یادگیری، نیازها و زندگی واقعی دانش‌آموزان، فرهنگ و مسائل جامعه را مورد تأکید قرار داده‌اند. بنابراین وظیفه اساسی برنامه‌ریزان و معلمان، پرورش توانایی برای حل مسایل و مشکلات زندگی واقعی در دانش‌آموزان می‌باشد. یافته‌ها نشان داد در مؤلفه فعالیت‌های یادگیری در گروه‌های مورد مطالعه، مشارکت دانش‌آموزان، انتخاب فعالیت‌های یادگیری را مورد تأکید قرار دادند.

این مسئله باعث می‌شود که دانش‌آموزان براساس علایق و نیازهای خود فعالیت‌هایی را انتخاب کنند که با آمادگی عقلی، جسمی، اجتماعی و عاطفی آنها تناسب داشته باشد. آنچه که در بُعد ارزشیابی مهم جلوه می‌کند این است که گروه‌های مورد مطالعه بر اهمیت خودارزیابی در برنامه درسی مهارت‌های زندگی تأکید فراوانی داشتند، زیرا در شیوه خودارزیابی، دانش‌آموزان از چگونگی کارکرد نظام سنجش مطلع می‌گردند، همچنین فرصتی برای معلم پیش می‌آید تا با ارائه بازخورد به دانش‌آموزان بر کیفیت خودسنجی آنها نظارت کند. علاوه بر این، گروه‌های مورد مطالعه معتقدند که ارزشیابی در برنامه درسی مهارت‌های زندگی بهتر است براساس مشارکت معلم و دانش‌آموزان صورت گیرد، زیرا وقتی دانش‌آموزان در فرایند ارزشیابی با معلمان مشارکت کنند، تعداد بازخوردها برای بهبود برنامه افزایش می‌یابد و تصمیم‌گیری برای دیگر فعالیت‌های آموزشی آسان می‌گردد.

* متن کامل این مقاله در فصلنامه علمی- پژوهی علوم تربیتی، دوره پنجم، سال شانزدهم تابستان ۱۳۸۸، شماره ۲، به چاپ رسیده است.

است. در راستای دستیابی به هدف پژوهش، پرسش‌های زیر مطرح است:

۱. معیارهای تدوین عناصر برنامه درسی و مهارت‌های زندگی دوره متوسطه نظری با رعایت اولویت‌بندی آن‌ها از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و دانش‌آموزان کدام است؟
۲. موارد اختلاف‌نظر گروه‌های مورد مطالعه در زمینه اولویت‌بندی معیارهای تدوین برنامه درسی مهارت‌های زندگی کدام است؟

■ روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر پیرو طرحی توصیفی از نوع پیمایشی بوده است. روش جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت مطالعات نظری و بررسی‌های میدانی انجام گرفته است. در مرحله مطالعات نظری، مفاهیم اساسی از قبیل نیازسنجی و شرکت‌کنندگان در آن، مدل‌های تحقیقاتی موجود در زمینه تدوین عناصر برنامه درسی، مطالعات مربوط به حوزه برنامه درسی مهارت‌های زندگی و مؤلفه‌های آن با استفاده از منابع در دسترس خارجی و داخلی مورد بررسی و مستندسازی قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات و اندازه‌گیری نگرش‌های گروه‌های مورد مطالعه، پرسشنامه محقق ساخته بود. پرسشنامه یاد شده، معیارهای تدوین عناصر برنامه درسی مهارت‌های زندگی را درون ۹ طبقه کلی اهداف، مواد آموزشی، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، راهبردهای یاددهی-یادگیری، ارزشیابی، گروه‌بندی، زمان و فضا قرار داده تا گروه‌های مورد مطالعه نظر خود را برحسب درجه اهمیت و اولویت، در مورد آنها اعمال نمایند.

■ روش نمونه‌گیری و تعداد نمونه‌ها

۱. نمونه‌گیری در سطح جامعه متخصصان تعلیم و تربیت به صورت تصادفی ساده انجام و ۱۹ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.
۲. نمونه‌گیری در سطح جامعه معلمان به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام و ۶۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.
۳. نمونه‌گیری در سطح جامعه دانش‌آموزان نیز به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام و ۳۷۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

■ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

به منظور تجزیه و تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه‌های مورد مطالعه از روش‌های آماری توصیفی و به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق از روش‌های آمار استنباطی (آزمون فریدمن، تحلیل واریانس رتبه‌ای کروسکال و